

نگاه درون

عربستان واتخاذسیاست جدید



داود هرمیداس باوند کارشناس بین الملل

● عربستان سعودی جایگاه ویژه‌ای در جهان عرب دارد. این کشور از یک سو نقش رهبری و برادر بزرگ‌تر را در شورای همکاری خلیج فارس و از دیگرسو نقشی محوری در سازمان کنفرانس اسلامی دارد. در اتحادیه عرب نیز عربستان به دلیل قدرت مالی و جایگاه ژئوپلیتیک، دارای نفوذ ویژه‌ای است و به‌خصوص بعد از سقوط ناصریسم جایگاه رفیع‌تری را احراز کرد. این کشور در اوپک نیز نقشی تعیین‌کننده دارد و در دههٔ ۸۰ نیز این عربستان‌های درد که قیمت نفت را کاهش داد. اکنون نیز عربستان از کاهش قیمت نفت به عنوان ابزاری برای فشار بر ایران و حتی روسیه استفاده می‌کند. با این همه، عربستان از تحولات بهارعرسی انتظاراتی داشت و فکر می‌کرد با اعمال نفوذ در این کشورها، دستاوردهای سیاسی کسب خواهد کرد. اگرچه عربستان از لحاظ دموکراسی در آخر خط قرار دارد، اما بر آن بود که با استفاده از تغییرات ساختاری در این کشورها، با دخالت در یمن، سوریه، بحرین، لیبی و تا حدودی عراق و تامین تسلیحات و کمک مالی به گروه‌هایی در این کشورها، تغییراتی را به نفع خود ایجاد کند.

در این میان ترکیه از زاویه دیگری همراه عربستان بود. هدف عربستان این بود که نفوذ ایران را در منطقه حلال شیعی کم کند اما بعد از چهارسال نتهتا به این‌مقصود نرسید، بلکه ظهور پدیده‌هایی مثل داعش و رشد جبهه النصره به تهدید و خطر برای منطقه تبدیل شدند. عربستان از یک سو با این ناکامی‌ها و نافرجامی‌ها مواجه بود و از دیگرسو رابطه‌اش با آمریکا دچار سردی شد. آمریکا با بهره‌برداری از نفت شل بر آن است که نیاز خود را برطرف کرده و وابستگی خود به انرژی خاورمیانه را از بین ببرد. فراتر از آن، عربستان از آمریکا انتظار داشت در مورد ایران و سوریه با استراتژی سخت‌افزاری برخورد کند، اما آمریکا عکس آن استراتژی نرم‌افزاری را پیش برد و مذاکرات را آغاز کرد. همین اختلافات با آمریکا بود که موجب شد عربستان کرسی غیردایمی در شورایامنیت سازمان ملل متحد را رد کند. اگرچه عربستان دلیل این تصمیم خود را ناتوانی این نهاد در پایان‌دادن به جنگ‌ها و منازعات عنوان کرد، اما در واقع روی اعتراض ریاض به واشنگتن بود. همچنین بیانیه ژنو که تاحدودی حاکی از تفاهم ۵+۱ با ایران بود هم خلاف انتظارات عربستان سعودی بود. حضور عربستان و آمریکا در کنار هم در ائتلاف علیه داعش نیز اگرچه از تلاش آمریکا برای گرم‌شدن رابطه‌اش با عربستان حکایت داشت، اما نتوانست به میزان لازم تأثیرگذار باشد. در چنین شرایطی آخرین اهرم عربستان مساله کاهش قیمت نفت بود چرا که این کشور به دلیل ذخایر نفت گسترده‌اش می‌تواند از پس تأثیرات کاهش قیمت نفت برآید اما تأثیرات منفی کاهش قیمت نفت برای کشورهایی مانند ایران به دلیل مساله تحریم‌ها بسیار بیشتر است. اما همه رویکردهای اینچنین به سیاست‌های پادشاه پیشین عربستان بازمی‌گردد.

اکنون و با مرگ ملک‌عبدالله، پادشاه عربستان چندین‌رویداد ممکن است. تصمیم‌گیری‌ها در عربستان برعهده خاندان آل‌سعود است و با برکسی‌نشستن جانشین پادشاه، در فرماندهی نیز تغییراتی ایجاد می‌شود و جانشینی‌هایی صورت می‌گیرد. مرگ پادشاه عربستان فرصتی است که پادشاه جدید تعبدلاتی را در سیاست داخلی و خارجی ایجاد کند.

اگرچه آزادی‌های دموکراتیک با جنبه‌های ارزشی سلفی مغایر است، اما احتمال دارد با روی‌کارآمدن پادشاه جدید، اصلاحاتی در حوزه آزادی‌های اجتماعی ایجاد شود. در سیاست خارجی نیز ممکن است عربستان به این نتیجه برسد که با دوقدرت دیگر منطقه‌ای یعنی ایران و ترکیه مصالحه کند. مصالح و منافع این کشور در این است که روابط خود با ایران و ترکیه هر کدام از زوایایی خاص تغییراتی ایجاد کند. بنابراین به نظر می‌رسد مرگ پادشاه، دست دولت جانشین را برای تغییرات نسبی با کشورهای منطقه‌ای از یک سو و تا حدودی آمریکا از دیگرسو باز بگذارد. با این حال رویه سنتی این است که در کوتاه‌مدت سیاست دولت پیشین دنبال شود اما بعد از انتصابات جدید و حل‌وفصل مسایل درونی خاندان آل‌سعود، فاز جدید در سیاست داخلی و خارجی آغاز شود. به هر حال به دلیل تحولات منطقه و جهان و ناکامی‌های سیاست‌های پیشین، عربستان مجبور به اتخاذ سیاست جدید است.

«ملک‌عبدالله» پادشاه ۹۰ساله سعودی، بامداد روز گذشته و پس از ۱۰سال حکمرانی در شهرک پزشکی کارد سلطنتی در ریاض درگذشت تا آل‌سعود با سیل پیام‌های تسلیت از سوی رهبران جهان مواجه شود؛ رهبرانی که هریک به‌دلیلی متفاوت بر پیکر بی‌جان ملک‌عبدالله سوگواری می‌کنند. اما پیروز این رقابت، همان‌طور که انتظار می‌رفت، «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده بود که به‌عنوان اولین‌رهبر تاسف خود را از درگذشت ملک‌عبدالله اعلام کرد. رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا در حالی پادشاه فقید عربستان را به‌عنوان رهبری صریح و شجاع ستود که همواره با عزمی راسخ بر اعتقادات خود پایبند بود که بوش‌های پدر و پسر، روسای‌جمهور سابق ایالات‌متحده نیز در پیام همدردی خود، از او به‌عنوان متحدی مهم و قابل‌اعتماد و نیرویی اثرگذار در راستای مدرن‌سازی کشورش نام بردند. دلیل آن نیز روشن است. از تقویت مناسبات و تحکیم همکاری‌های راهبردی با ایالات‌متحده همواره به‌عنوان میراث ملک‌عبدالله یاد می‌شود؛ میراثی که اگرچه ریشه‌های آن را منظر جورج بوش پدر، به جنگ‌جهانی‌دوم بازمی‌گردد، اما همواره در سایه نقش تأثیرگذار عبدالله در جریان جنگ‌اول خلیج فارس و کارزار جدید جهانی علیه داعش رنگ می‌یازد. شاید همین نقش او در منازعات منطقه‌ای است که موجب شد «جاک هاکل» وزیر دفاع ایالات‌متحده از مرگ او به‌عنوان فقدان صدایی رسا در ترویج مدارا، اعتدال و صلح در سطح منطقه و جهان یاد کند. اما مقامات اسرائیلی نیز از منطری دیگر لب به ستایش ملک‌عبدالله گشوده‌اند. نقش کلیدی عربستان در تنظیم طرح صلح اعراب در سال۲۰۰۲ کافی بود تا «شیمون پرز» رئیس‌جمهور اسبق اسرائیل، از مرگ ملک‌عبدالله به‌عنوان خسروانی بزرگ برای تحقق صلح در خاورمیانه سخن گوید. مقامات ارشد سایر قدرت‌های اروپایی، چون «آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان و «فرانسوا اولاند» رئیس‌جمهور فرانسه نیز با اشاره به نقش پررنگ ملک‌عبدالله در مسیر مدرن‌سازی عربستان و برقراری گفت‌وگوهای دوطرفه با دنیای غرب، یاد او را گرامی داشتند. «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهوری روسیه نیز در پیام‌تسلیت خود، گذشته از تلاش‌های ملک‌عبدالله در جنگ با تروریسم، به نقش اثرگذار او

در بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردم و توسعه نهادهای اجتماعی در آن کشور اشاره داشت. این درحالی است که خبر مرگ ملک‌عبدالله، تقریباً تمامی دنیای‌عرب را سیاهپوش کرده است. دیوادشاهی بحرین و اردن درحالی به مناسبت مرگ پادشاه عربستان، ۴۰روز عزای‌عمومی اعلام کرده‌اند که دفاع از ملت عرب و مسلمانان، کلیدواژه مقامات کشورهای عربی

جهان

عنوان جانشین ولیعهدی عربستان به نسل دوم خاندان آل سعود رسید

پایان پادشاه



محمد بن عبدالعزیز

مقرن بن عبدالعزیز؛ ولیعهد قدرتمند عربستان

با مرگ پادشاه عربستان و آغاز دوره سلطنت سلمان بن‌عبدالعزیز، نام شخصی دیگری نیز در خاندان آل‌سعود برجسته شده است که کارشناسان معتقدند شخص قدرتمندی بوده و حتی ممکن است زودتر از آنچه که باید در این خاندان به سلطنت برسد. «مقرن بن‌عبدالعزیز» (۶۹ساله) در سال۲۰۱۴، توسط ملک‌عبدالله، پادشاه متوفی عربستان به‌عنوان «ولیعهدولیعهد» –سمتی که تا آن زمان در عربستان سابقه نداشت– منصوب شد. او در سال۱۹۴۵، به دنیا آمد و سی‌وپنجمین پسر ملک‌عبدالعزیز، موسس عربستان سعودی به‌شمار می‌رود که هیچ برادر تنی در میان خاندان آل‌سعود ندارد. او سال‌ها به‌عنوان مشاور ویژه ملک‌عبدالله و نماینده خاص او فعالیت می‌کرد و در فوریه۲۰۱۳، به‌عنوان معاون دوم رئیس کابینه عربستان، که دومین‌مقام در عربستان بعد از پادشاه محسوب می‌شود، معرفی شد. منابع آگاه در عربستان می‌گویند عبدالله بن عبدالعزیز پادشاه متوفای این کشور پیش از مرگ از شورای موسوم به بیعت خواست با تعیین مقرن به‌عنوان ولیعهد پس از به‌قدرت‌رسیدن سلمان موافقت کند. این درحالی است که طبق سنت‌های سعودی هر پادشاهی حق دارد خود ولیعهدش را انتخاب کند. مقرن به داشتن اظهارنظرهای تند و صریح در عربستان شهره است.

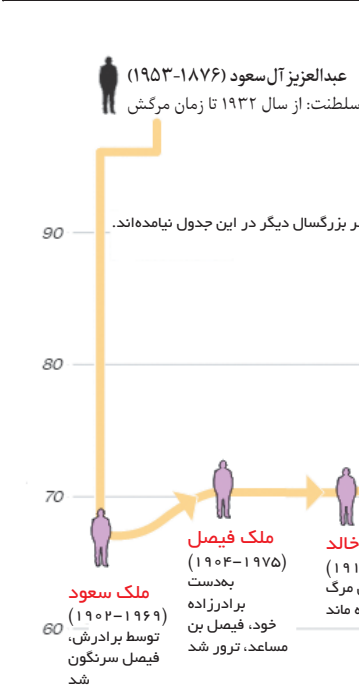
در بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردم و توسعه نهادهای اجتماعی در آن کشور اشاره داشت. این درحالی است که خبر مرگ ملک‌عبدالله، تقریباً تمامی دنیای‌عرب را سیاهپوش کرده است. دیوادشاهی بحرین و اردن درحالی به مناسبت مرگ پادشاه عربستان، ۴۰روز عزای‌عمومی اعلام کرده‌اند که دفاع از ملت عرب و مسلمانان، کلیدواژه مقامات کشورهای عربی

خاندان آل سعود در یک نگاه

عربستان در منازعات منطقه است. با تمام این اوصاف، در بین تقریباً تمامی مقامات نامبرده ترسی مشترک موج می‌زند: آیا عربستان همچنان بر مسیر پیشین کام می‌زند؟ ترسی که با معرفی «سلمان بن‌عبدالعزیز» ۲۹ساله به‌عنوان پادشاه جدید تاحدودی برطرف شده است. ملک‌سلمان، برادر ناتنی عبدالله که سه‌سال به‌عنوان ولیعهد عربستان در انتظار تخت‌پادشاهی به‌سر می‌برد، در اولین سخنرانی تلویزیونی خود پس از مرگ عبدالله، از عزم خود برای ادامه سیاست‌هایی سخن گفت که به‌زعم او، از زمان تأسیس عربستان سعودی همواره در مسیری صحیح در پیش گرفته شده‌اند. سلمان که پس از ۴۸سال استانداری بر ریاض، در هنگامه کارزار جهانی علیه داعش و همکاری ارتش عربستان با نیروهای ائتلاف، در سال۲۰۱۱ وزارت دفاع را برعهده گرفته بود، بر لزوم همبستگی بین کشورهای عرب برای مقابله با تروریسم تأکید داشته و خواستار گسترش همکاری‌های بین‌المللی برای دفع‌خطر داعش شده است. اما اگر با پادشاهی ملک‌سلمان، ترس از تغییر در سیاست‌های خارجی عربستان و راهبردهای نفتی آن کشور که موجب افت شدید قیمت نفت شده، بلاموضوع شده، به نظر می‌رسد تنها قربانی این جانشینی روند کم‌نفس اصلاحات مدنی در حوزه آموزش و حقوق زنان باشد. بیم آن می‌رود ملک‌سلمان که در گذشته و به دلیل ترس از آشوب ناشی از استحاله اقوام گوناگون عربستان به احزابی سیاسی، برپایی دموکراسی در شبه‌جزیره را ناممکن دانسته، اکنون فرصت آن بیاید تا به مواضع ضددموکراتیک خود جامه‌عمل بباشد.

انتصاب‌های جدید در ریاض

براساس حکم سلمان «محمدبن نایف» که هم‌اکنون وزیر کشور عربستان است، با حفظ‌سمت به‌عنوان جانشین ولیعهد منصوب شد که در صورت تغییرنکردن شرایط و ثابت‌ماندن اصول بازی قدرت در عربستان، او به‌عنوان اولین فرد از نسل‌دوم خاندان آل‌سعود، به پادشاهی خواهد رسید. محمدبن‌نایف همچنین به‌عنوان معاون‌دوم رئیس شورای وزیران انتخاب شد. سلمان بن عبدالعزیز بر اساس این حکم همچنین «محمدبن سلمان» پسر خود را به‌عنوان وزیر دفاع و رئیس دیوان پادشاهی این کشور انتخاب کرد. این سمت پیش از شاه‌شدن سلمان در اختیار خود او بود.



پاسخ دو کارشناس بین‌الملل به پرسش‌های یکسان «شرق»:

«توماس دابلیولیمن»، پژوهشگر انستیتو مطالعات خاورمیانه در واشنگتن :

تجدیدنظر ریاض در سیاست‌های خارجی

آیا با مرگ ملک‌عبدالله عربستان در طولانی‌مدت با بحران سیاسی و جانشینی مواجه می‌شود؟

بحران جانشینی در عربستان سعودی وجود ندارد. حتی در صورتی که نارضایتی‌هایی در حلقه دربار عربستان سعودی وجود داشته باشد، این موضوع مسکوت باقی خواهد ماند و روند جانشینی صورت می‌گیرد.

برخی تحلیلگران معتقدند مرگ پادشاه عربستان بر ثبات آن کشور و به تبع آن بر وضعیت امنیتی منطقه تأثیرگذار خواهد بود. تا چه اندازه احتمال تشدید رادیکالیسم در عربستان سعودی و ظهور نیروهای افراطی را امکان‌پذیر می‌داند؟

نامحتمل است که «رادیکالیسم و بنیادگرایی» در عربستان گسترش یابد چرا که «محمد بن‌نایف»، وزیر امور داخلی عربستان سعودی که وظیفه حفاظت از امنیت آن کشور را برعهده دارد، فردی قدرتمند و بااراده که مورد احترام و علاقه آمریکایی‌ها هم هست.

آیا با شرایط جدید، عربستان به سمت نظام پادشاهی پارلمانی حرکت می‌کند؟

شاید در سالیان بسیار دور امکان‌پذیر باشد.
آ استراتژی‌های نفتی ریاض دستخوش چه تغییراتی می‌شود؟

نامحتمل است که مرگ ملک‌عبدالله تأثیری روی کاهش قیمت نفت یا سیاست‌های نفتی آن

نگاه بیرون

مرگ عبدالله وشرایط دشوار ریاض

The Washington Post

ترجمه:رها معتمدی

● «مرگ عبدالله»، پادشاه عربستان تمام سیاست‌های ایالات‌متحدهٔآمریکا را در خاورمیانه برهم می‌ریزد. این مرگ درحالی دوران نامعلوم جدیدی را برای مقام‌های آمریکایی در منطقه خاورمیانه ایجاد خواهد کرد که آنها در حال‌مذاکره درباره گسترش نفوذ ایران و ادامه جنگ برای جلوگیری از پیشروی نیروهای «داعش» در عراق و سوریه هستند. بنابراین باید گفت مرگ شاه ۹۰ساله عربستان سعودی به‌همراه سقوط دولت مورد حمایت آمریکا در یمن، بدترین سناریو بوده چراکه این تحولات، مانع دیگری برای گسترش نفوذ ایران در منطقه را از بین برده است؛ زیرا شاه سعودی، یکی از مهم‌ترین اولویوت‌های خود را مقابله با پیشرفت نفوذ ایران در خاورمیانه قرار داده بود و در سال‌های‌آخر سلطنت علاقه کمتری نسبت‌به رابطه با آمریکا داشته است.

عبدالله، بارها «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا را برای حمایت بیشتر از شبه‌نظامیان مخالف دولت «بشار اسد» رئیس‌جمهوری سوریه تحت فشار قرار داده بود. از سوی دیگر، عبدالله نظر چندان مساعدی نسبت به ادامه مذاکرات بین آمریکا و ایران برسر برنامه هسته‌ای نداشت و بر این باور بود که این مذاکرات نشانه‌ای بوده که واشنگتن قصد دارد که به همکاری خود با ایران ادامه دهد. مرگ عبدالله احتمالاً موجب خلا قدرت بزرگ‌تری در ریاض نسبت به آنچه در ابتدا تصور می‌شد، خواهد شد. شاهزاده «سلمان»، ۷۹ساله که جانشین عبدالله شده، سیاست‌های متفاوتی دارد. به‌همین‌دلیل مقام‌های آمریکایی می‌گویند شاهزاده سلمان یک حاکم قوی و سالم نیست و به احتمال زیاد بدزودی سایر اعضای خاندان سعودی، جای او را خواهند گرفت.

اما یکی از بزرگ‌ترین پرسش‌هایی‌که شاه جدید سعودی با آن روبه‌رو خواهد شد، ادامه درگیری‌ها در یمن است که با استعفای رئیس‌جمهور یمن، تحولات صنعا را وارد مرحله تازه‌ای کرده است. ابهاماتی نیز درخصوص ادامه بهیاران مواضع داعش از سوی ائتلاف در رهبری آمریکا وجود دارد. عبدالله به شدت نگران افزایش قدرت داعش بود و بر پایبندی ریاض به تعهدات خود برای حملات هوایی علیه داعش، تأکید می‌کرد. از دیگر تصمیماتی که شاه جدید عربستان باید اتخاذ کند، آن است که آیا ریاض به راهبرد افزایش تولید نفت ادامه خواهد داد یا نه. با گسترش دامنه منازعات در عراق و یمن و با کاهش قیمت جهانی نفت که به موضوعی سابه‌افکن بر سیاستگذاری‌های داخلی عربستان سعودی تبدیل شد، شاهزاده سلمان تلاش کرده که حکومت سعودی برای موقعیت حساسی که عربستان اکنون در آن گرفتار شده پاسخ لازم را در اختیار داشته باشد. درهمین‌حال، برخی از تحلیلگران

پیش‌بینی می‌کنند در شرایط بسیار آرام، انتقال قدرت به سلمان صورت می‌گیرد اما شرایط بد جسمانی او نشان می‌دهد دوران پادشاهی‌اش کوتاه است و در حقیقت پس از مرگ سلمان، بحران جانشینی تشدید می‌شود؛ در آن زمان که بسیار دور نیست خاورمیانه با شرایط دشوار و حساسی روبه‌رو خواهد شد. عربستان سعودی یکی از اعضای کلیدی در ائتلاف آمریکایی ضد داعش است و مرگ عبدالله سیاست‌های آمریکا را در میان اعراب دوکته می‌کند. «شیمون اندرسون» یکی از متخصصان خاورنزدیک در موسسه «واشنگتن» می‌گوید: «با وجود اینکه بسیاری از مردم بر این باورند که این انتقالی آرام است اما دلایلی زیادی وجود دارد که زمان را برای ریاض و مردم این کشور دشوار می‌کند. داشتن پادشاهی مغایر آخرین چیزی است که شرایط را پیچیده می‌کند.» اندرسون در ادامه می‌افزاید که یمن هم چندپاره شده است. داعش پشت در ایستاده و تمامی اینها برای خاورمیانه خطرناک است و چشم‌انداز آینده ریاض را از بین می‌برد. این متخصص امور خاورمیانه در دیم می‌گوید شاید غرب در این شرایط دشوار بسیار زیاده‌کار نباشد و در شرایطی را به‌وجود آورد که «مقرن بن‌عبدالعزیز» ولیعهد کنونی کنترل را در دست بگیرد هرچند نسل بعدی و جوان پادشاهی، عربستان را با پیچیدگی‌ها و خشونت‌های بیشتری مواجه می‌کند. کشورهای همسایه عربستان نیز اکنون شرایط عادی ندارند؛ عراق تحت نفوذ داعش است و در یمن نیز جنگی بر سر قدرت به‌راه افتاده است. اندرسون در پایان می‌گوید که مشکل و همکاری بر سر قیمت نفت بود اما رویدادهای منطقه‌ای مانع از این موضوع شد. در دوره کنونی گسترش همکاری میان دو کشور موضوعی مهم و در راستای منافع دو کشور است.

کشور بگذارد. عربستان سعودی با تصمیم جمعی در بازارهای نفتی فعالیت می‌کند و آنان آگاه هستند که قیمت نفت ظرف یک تا دوسال آینده افزایش خواهد یافت.

سیاست خارجی پادشاه جدید در قبال بحران سوریه و حمایت از حکومت بحرین چگونه خواهد بود؟

در حوزه سیاست خارجی هیچ‌گونه تغییری در سیاست عربستان سعودی در قبال بحرین ایجاد نخواهد شد. موضوع سوریه متفاوت است چرا که سیاست عربستان سعودی تا اندازه زیادی محصول خصومت شخصی ملک‌عبدالله علیه خاندان «بشار اسد» و البته اتحاد دوفاکتوی دولت سوریه با ایران بوده است. احتمال آن وجود دارد که پادشاه جدید عربستان، داعش و فعالیت‌های آن را تهدید کند.

عربستان در مقایسه با اقدامات دولت اسد در قبال عربستان سعودی قلمداد کند و درصدد اصلاح سیاست‌های پیشین آن کشور در قبال سوریه برآید.
آ ارزیابی شما درباره احتمال بهبود روابط تهران و ریاض در دوران جدید چگونه خواهد بود؟

گیرنده نهایی در موضوع روابط ایران و عربستان شخص پادشاه خواهد بود. او ممکن است هیات‌هایی مذاکره‌کننده‌ای متشکل از وزرای امور خارجه یا وزاری دفاع را عازم دیدار با نمایندگان ایرانی کند. با این حال، تصمیم اصلی برعهده اوست.

گیرنده نهایی در موضوع روابط ایران و عربستان شخص پادشاه خواهد بود. او ممکن است هیات‌هایی مذاکره‌کننده‌ای متشکل از وزرای امور خارجه یا وزاری دفاع را عازم دیدار با نمایندگان ایرانی کند. با این حال، تصمیم اصلی برعهده اوست.

به دلیل فشارهای فزاینده کشورهای جهان گمان می‌کنم در آینده نهادهای سیاسی عربستان سعودی امکان مشارکت مردمی بیشتری را در عرصه حکومتداری فراهم کنند. روند اصلاحات

«زبیر اقبال»، پژوهشگر پیشین صندوق بین‌المللی پول :

حضور بیشتر سعودی‌ها در فرآیند سیاسی

وابسته به هزینه رفتارهای قدیمی و کاهش قیمت نفت است این موضوع می‌تواند سبب بازترشدن فضا شود.

آ استراتژی‌های نفتی ریاض دستخوش چه تغییراتی می‌شود؟

سیاست نفتی عربستان سعودی برآمده از منافع بلندمدت آن کشور و سهمش در بازارهای بین‌المللی است. گمان نمی‌کنم در این عرصه حتی به روی‌کارآمدن پادشاه جدید تغییری جدی ایجاد شود.

سیاست خارجی پادشاه جدید در قبال بحران سوریه و حمایت از حکومت بحرین چگونه خواهد بود؟

پاسخ به پرسش نهایی شما دشوار است. هیچ عمل تغییر کرده است و به احتمال زیاد حمایت عربستان سعودی از اپوزیسیون مخالف «بشار اسد»،

آ ارزیابی شما درباره احتمال بهبود روابط تهران و ریاض در دوران جدید چگونه خواهد بود؟

روابط دو کشور پس از مرگ ملک عبدالله تغییر عمده‌ای نخواهد کرد. به یاد داشته باشیم که ملک عبدالله در ابتدا مایل به بهبود روابط ایران و عربستان و همکاری بر سر قیمت نفت بود اما رویدادهای منطقه‌ای مانع از این موضوع شد. در دوره کنونی گسترش همکاری میان دو کشور موضوعی مهم و در راستای منافع دو کشور است.